



اندیشه تفسیر سوره یوسف؛ مبین فی نفسه و لغیره

«الر/ تلك آیات الكتاب المبين/ انا انزلناه قرآناً عربياً لعلكم تعقلون...» حروف مقطعه از نظر شمارش آیات به 3 قسم تقسیم می‌شود؛ بعضی از حروف مقطعه جزء آیه‌اند نظیر آنچه در سوره مبارکه یونس بود، هود بود و همین سوره یوسف هست.

«#الر/ تلك آیات الكتاب المبين/ انا انزلناه قرآناً عربياً لعلكم تعقلون...» حروف مقطعه از نظر شمارش آیات به 3 قسم تقسیم می‌شود؛ بعضی از حروف مقطعه جزء آیه‌اند نظیر آنچه در سوره مبارکه یونس بود، هود بود و همین سوره یوسف هست.

سوره ابراهیم، سوره حجر، در همه اینها این حرف مقطعه یک آیه نیست بلکه جزء آیه است نظیر سوره ص (ص والقرآن ذی الذکر) که آن «#ص» هم جزء آیه است. قسم دوم حروف مقطعه‌اند که یک آیه را تشکیل می‌دهند مثل «#الم»، «#المص»، «#حم» که اینها یک آیه را تشکیل می‌دهند. قسم سوم آن حروف مقطعه‌اند که 2 آیه را تشکیل می‌دهند مثل «#حم / عسق». این «#حم» یک آیه است «#عسق» دو آیه است که مجموع این دو آیه از همین حروف مقطعه تشکیل شد. پس حروف مقطعه 3 قسم است؛ یا جزء آیه است یا یک آیه مستقل است یا 2 آیه را تشکیل می‌دهند و ارتباطی هم بین این «#الر» با مضمون آیه است.

سیدنا الاستاد (رضوان‌الله‌علیه) این حروف مقطعه را هم برابر با «#القرآن یفسر بعضه بعضا» معنا کرده‌اند. ایشان نظر شریفشان این است که (در خصوص این سوره یوسف بحث نکردند در سوره مبارکه شوری آنجا بحث کردند) می‌فرمایند: همانطوری که آیات قرآن «#یفسر بعضه بعضا» این حروف مقطعه هم همینطور است.

آن وقت نتیجه‌ای که می‌گیرند این است که می‌گویند: ما اگر سوره‌ای که اولش «#الم» است این را بررسی کنیم سوره‌ای که اولش «#ص» است این را بررسی کنیم و سوره‌ای که نظیر اعراف اولش «#المص» است بررسی کنیم این سه تا بررسی به ما می‌فهماند که مضمون آن سوره‌هایی که اولش «#الم» است یک چیز است؛ مضمون آن سوره‌ای که اولش «#ص» است یک چیز است؛ مضمون آن سوره‌ای که «#المص» است مجموع این دو تا مضمون‌هاست. شواهدی هم برای این کار اقامه می‌فرمایند؛ می‌فرمایند: همانطوری که آیات «#یفسر بعضه بعضا» این حروف مقطعه هم «#یفسر بعضه بعضا».

مرحوم شیخ طوسی (رضوان‌الله‌علیه) نظر شریفشان این است که این حروف مقطعه اسمای سور است. وجوه فراوانی برای این گفته شده، حرف‌های ناگفته هنوز زیاد است. درباره حروف مقطعه بخشی از این اقوال و آرا در همان جلد اول تسنیم آمده است؛ «#الر/ تلك آیات الكتاب المبين».

این تلک به لحاظ کتاب یا ذلک که «#ذلک الكتاب» است به لحاظ کتاب «#الم/ ذلک الكتاب لا ریب فیه» یا «#الر/ تلك آیات الكتاب» آنجا چون مشارالیه مذكر است ذلک گفته شد اینجا چون مشارالیه مؤنث است تلک گفته شد، در آنجا بیان شده است که با اینکه کتاب حاضر است جامعه بشری در خدمت این قرآن کریم‌اند معذلک برای رفعت مقام از او به اشاره بعید یاد کرده است مثل اینکه انسان در حضور یک شخص «#عظیم‌الشأن» نشسته است، می‌گوید: ما به آن جناب عرض کردیم ما به آن جناب گفتیم.

این ما به آن جناب گفتیم. یا در ادعیه مثلاً با اینکه خدای سبحان شاهد و حاضر است می‌گوییم «#هو‌الذی» کذا «#هو‌الذی» کذا یا «#انت هو‌الذی» کذا که از او به غایب یاد می‌کنیم؛ خب این تعبیر به دور برای بعد مکان است؛ نه مکان بعد منزلت است نه زمان. «#الر/ تلك آیات الكتاب» که کتاب همین قرآن کریم است. این کتاب مبین است؛ هم مبین است فی نفسه هم مبین است لغیره. مبین یعنی روشن؛ هم روشن هم روشنگر. برخی‌ها خواسته‌اند بگویند منظور از این کتاب، لوح محفوظ است. او می‌تواند مرحله بالای همین قرآن کریم باشد ولی ظاهر کتاب مبین همین قرآن کریم است.

